

گردشگری ادبی

با تبریک اعیاد گرانبه و گرامیداشت آغاز هفته میراث فرهنگی امروز یادبود ادیب و شاعر گرانبه ایران حکیم خیام نیشابوری است همچنین روز ۲۵ اردیبهشت ماه نیز یادبود سخن سرای نامی ایران فرودوسی نامدار بود به همین بهانه افزون بر شادباش این ایام و گرامیداشت یاد و خاطر تمامی دردانه گان عرصه ادب در استان سیستان و بلوچستان، برآن شدیم علاوه بر یادبود این عزیزان در خصوص بحث میراث ادبی و نقش آن در شاخه ای از گردشگری به نام گردشگری ادبی که جایگاه ممتازی در این استان دارد مطالبی را به اشتراک بگذاریم .

امروزه گردشگری واژه شناخته شده ای در جهان است که اهمیت زیادی در اقتصاد کشور ها برعهده دارد. این صنعت پولساز که بعد از نفت و خودرو سومین جایگاه را در عرصه اقتصاد دنیا به خود اختصاص داده دارای گونه های مختلفی است بطوریکه که کارشناسان تاکنون ۱۸۰ نوع از انواع گردشگری را شناسایی کرده که نشان از دامنه و گستره وسیع بازار تقاضای گردشگری جهانی دارد. آنچه در این مقال به اشتراک میگذاریم یک شاخه از گردشگری به نام گردشگری ادبی است که همانند سایر شاخه های آن در سیستان و بلوچستان ظرفیت های متعددی برای آن میتوان برشمرد که متأسفانه مغفول مانده است. هدف از این بحث آشنایی با گردشگری ادبی معرفی ظرفیت های بومی در این زمینه و بررسی چالش ها، ارائه راهکارها و برنامه ریزی مناسب در این موضوع میباشد .

تعاریف گردشگری ادبی

یکی از گونه های تقریباً جدید گردشگری موجود در بازار گردشگری در جهان ، «گردشگری ادبی» نام دارد. به تعبیر اساتید این حوزه گردشگری ادبی در واقع برخاسته از حس علاقه مندی برای دیدن و شناخت مشاهیر ادبی و هنرمندانی است که دارای شهرت هستند و آثار بنامی را خلق کرده اند و عبارت از بازدید از محل تولد و تدفین مشاهیر ادبی ، موزه های ادبی و سایر محل های مرتبط با نویسندگان، آثار ادبی و همچنین پیمودن مسیرهایی با مضامین ادبی است همچنین آشنایی با اماکنی که به نحوی متعلق به ایشان است و یا در آثارشان از آن نام برده اند و با عنوان موارث فرهنگی از آن یاد میشود ، شاید مهم ترین میراث هر ملتی، ادبیات آن باشد که بعنوان چراغ راهی برای آیندگانبا شیوه های مختلف باید معرفی شوند و در مسیر توسعه از آن بهره وری گردد . یکی از این شیوه ها که رهیافت های فراوانی برای جامعه در پی دارد پیوند صنعت گردشگری با میراث ادبی کشور است. از آمیزش خجسته این دو مقوله پدیده ای حاصل می شود که در ادبیات حوزه گردشگری آن را گردشگری ادبی می نامند در واقع گردشگری ادبی رابطه دوسویه ای با گردشگری رویداد به خصوص مناسبت ها، بزرگداشت ها، زادروزها و جشنواره های ادبی دارد در این راستا کشورهای مختلف با استناد به مشاهیر ادبی و هنرمندان مشهور و با استفاده از مکان های تولد، زندگی، خلق

آثار و آرامگاه آن‌ها، تورهایی را برای بازدید از این مناطق با نام خود آن مشاهیر تعریف کرده‌اند و در چارچوب این تورها گردشگران علاقه‌مند را ترغیب به سفر به کشور خویش می‌نمایند و در راستای آن افزون بر معرفی داشته‌های فرهنگی و رونق چرخه گردشگری، فعالیت اقتصادی را نیز باعث می‌گردند، (دکتر مهدی سقایپیران پژوهش مستقل در مطالعات گردشگری)

آرش نورآقایی نویسنده کتاب «عدد، نماد، اسطوره» معتقد است: «امروزه گردشگری ادبی به‌خصوص در شهرهایی با پیشینه فرهنگی و قدمت بسیار رونقی دوچندان یافته است. در بررسی‌های صورت گرفته در زمینه مقاصد گردشگری ادبی در جهان توسط سایت تریپ ادوایزر (به عنوان سایت مرجع برندهای مقاصد گردشگری جهانی)، شهر لندن نخستین مقصد گردشگری ادبی در جهان محسوب می‌شود و شهرهای نیویورک، پاریس و سان‌فرانسیسکو و نیز رم در ایتالیا در ردیف شهرهای محبوب بعدی برای گردشگران دوستدار ادبیات قرار گرفته‌اند؛ شهرهایی که هر یک نام یک یا چند نویسنده و هنرمند مشهور را به عنوان محل زندگی یدک می‌کشند و امروزه از این امر بسیار خوشحالند که نه تنها مشاهیر بزرگی را در عرصه‌های ادبی عرضه کرده‌اند، بلکه از آثار و شهرت آن‌ها در چارچوب گردشگری ادبی از نظر اقتصادی بهره‌مند می‌شوند در ایران نیز شهرهای شیراز - مشهد - تبریز و... در این زمینه حرف‌های زیادی برای گفتن دارند در همین مورد شاهنامه برای سیستان و بلوچستان یک برند شناخته شده گردشگری است و سیستان و بلوچستان را دیار شاهنامه و با نام رستم دستان می‌شناسند و خیلی از دوستداران این سند هویت ایرانی و اثر ادبی شاخص در دنیا علاقه‌مند به دیدن مکان زندگی رستم و آشنایی با مکان وقوع داستانهای شاهنامه هستند و این یک فرصت مهم برای دست‌اندرکاران این حوزه برای برنامه ریزی مناسب و معرفی این ظرفیت و بهره‌مندی از آن در کنار سایر قابلیت‌ها برای رونق گردشگری ادبی بشمار می‌رود.

جاذبه‌های گردشگری ادبی معمولاً در سه شکل زیر متجلی می‌شوند:

مکان‌های واقعی: این مکان‌ها با زندگی یک نویسنده ارتباط واقعی دارند و معمولاً شامل محل تولد، زندگی، آفرینش آثار، مرگ و دفن آن‌ها هستند. مثال‌هایی از این دست عبارتند محل تولد فرخی سیستانی - محل تولد و بود و باش شاعران بزرگ زابلی و بلوچ استان

مکان‌های خیالی: این مکان‌ها بیانگر یا تجلی فضای رمان، نمایشنامه یا شعر هستند. مانند هفت‌گنبد در هفت پیکر نظامی، همان محلی که فرهاد کوه‌کن، کوه را به عشق شیرین می‌کند. جاده ادیه و جاده ابریشم در شعر فرخی - محل داستانهای اشعار فولکلور محلی

مکان‌های ساخته شده: مکان‌هایی هستند که به طور عمد برای جذب بازدیدکننده خلق شده‌اند. در واقع ارتباط با یک چهره یا شخصیت ادبی امکان ایجاد دامنه وسیعی از جاذبه‌های موضوعی گردشگری را در مقصد به وجود می‌آورد. سایت‌های خیالی‌تر و مسیرهای ادبی عبارتند از مسیر کد داوینچی و مسیر هری پاتر. حتی در مواردی اقدام به توسعه جاذبه‌هایی می‌شود که واقعیت بیرونی ندارند و بسیاری اصالت آن‌ها را مورد سؤال قرار می‌دهند و این عمل را نوعی کالایی‌سازی فرهنگی می‌پندارند، برای نمونه ایتالیایی‌ها در

شهر K ورونا» دو قبر نمادین به نام «رومئو» و «ژولیت» ساخته‌اند. این در حالی است که همه می‌دانند که رومئو و ژولیت نام دو شخصیت خیالی نمایشنامه شکسپیر هستند و وجود خارجی نداشته‌اند. ساخت محل تولد رستم وهفت خان رستم و..... (دکتر مهدی سقایپیران پژوهش مستقل در مطالعات گردشگری)

شاهنامه فردوسی نمونه بارز گردشگری ادبی و رستم برند گردشگری ادبی و اسطوره ای سیستان و بلوچستان

در تعریف گردشگری ادبی گفتیم هر کسی که آثار ادبی بزرگان فارسی‌زبان را بخواند، به صورت بالقوه می‌تواند یک گردشگر ادبی باشد. با این وجود برخی مشاهیر ادبی ایران فراتر از دامنه زبان فارسی، شهرت جهانی داشته‌اند و علاقه‌مندان بسیاری در سطح جهان دارند که مثال بارز آن فردوسی و اثر بی بدیلش شاهنامه است که در میان قابلیت‌های گردشگری ادبی در ایران، ودرسیستان و بلوچستان جایگاه ویژه‌ای دارد. بسیاری از مکان‌های گردشگری که در کشور ما وجود دارند، با اسطوره‌ها و افسانه‌ها درآمیخته‌اند و کهن دیار سیستان و بلوچستان مهد اسطوره‌ها و حماسه‌های ایران زمین به شمار می‌رود، اما موضوع این است که تاکنون از این منظر به آن‌ها توجه نشده و ما از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده نکرده‌ایم. به طور مثال اگر تنها به روایت‌های شاهنامه فردوسی توجه کنیم، با دنیایی از افسانه و اسطوره‌ها مواجه می‌شویم که کمترین بهره‌ای از آن‌ها نبرده‌ایم. هرچند این موضوع به‌تنهایی توانمندی جذب گردشگری ادبی را ندارد؛ چراکه این‌ها تنها جاذبه‌های گردشگری ادبی بوده و برای شکل‌گیری یک محصول نیازمند فراهم آوردن زمینه‌هایی چون دسترسی، خدمات مهمان‌نوازی، امکانات زیربنایی و مهم‌تر از همه عناصر نهادی و سازمانی در قالب تبلیغات و بازاریابی محصول گردشگری ادبی هستیم.

سیستان و بلوچستان در شاهنامه

ایران فردوسی کجاست؟

چیزی که واضح است ایرانی که فردوسی از آن نام برده چیزی بسیار پهناورتر از ایران امروزی بوده. بسیاری از شهرهای نام برده شده در شاهنامه امروزه در افغانستان یا تاجیکستان که زمانی بخشی از ایران بوده اند واقع اند. مثلاً:

زابل (بیش از ۱۴۵ بار)؛ ۲) کابل (۱۱۶ بار به شکل کابل و کابلستان)؛ ۳) بلخ (۵۲ بار به عنوان مرکز کشور ایران و شهر مقدس زرتشتیان)؛ ۴) سیستان (سی بار ذکر گردیده که مطابق با جغرافیای زابل و زابلستان است)؛ ۵) نیمروز (بعنوان مرکز زابلستان و سیستان و گاه معادل هرزابل (بیش از ۱۴۵ بار)؛ ۲) ۳) بلخ (۵۲ بار به عنوان مرکز کشور ایران و شهر مقدس زرتشتیان)؛ ۴) ۶) هرات (در ده جای شاهنامه ذکر گردیده است)؛ ۷) سمنگان (هشت بار)؛ ۸) بُست (پنج بار)؛ ۹) شغنان (از شهرهای بدخشان پنج بار)؛ ۱۰) گندوز یا قندوز (پنج بار)؛ ۱۱) غزنی (سه بار)؛ ۱۲) دهستان (از شهرهای بادغیس که نام آن پنج بار در شاهنامه آمده)؛ ۱۳)

سایر شهرها و نواحی که نام شان در شاهنامه آمده: ۱۸) فاریاب ۱۹) جوزجان ۲۰) بدخشان ۲۱) غور ۲۲) پنجشیر ۲۳) اندراب ۲۴) جَرَم در بدخشان که به شکل چَرَم آمده ۲۵) بامین از شهرهای ولایت بادغیس ۲۶) گرزوان از شهرهای ولایت فاریاب ۲۷) و... (فرزانه خوشه بست دربررسی جایگاه شاهنامه فردوسی و نقالی در ارتقای گردشگری ادبی ایران)

این نشان دهنده ی همان ایران واقعی است که متأسفانه با نقشه های مودیانہ ی استعمارگران دچار تجزیه شده شکل کشورهای کوچک تر و در نتیجه ضعیف تر در آمد. چیزی که امروز بیش از همه چیز برای ملت های حوزه ی زبان فارسی مهم است ایجاد اتحاد و همبستگی علیه استعمارگران است. و جذب مردمان و گردشگران و علاقه مندان در ان کشورها با محوریت یک زبان و فرهنگ مشترک به نام شاهنامه به مرکز اتفاقات آن در سیستان و بلوچستان است .

رستم قهرمان داستان شاهنامه برند سیستان و بلوچستان و پهلوان مورد علاقه ی فردوسی است که در تمام میدانهای جنگ و پهلوانی از جانبداری و دل بستگی حماسه سرای طوس برخوردار بوده از سیستان است

در شاهنامه به عناصر پهلوانی و حماسی بسیار برمی خوریم. به طور قطع و یقین، می توان گفت که بزرگترین پهلوانان و دلاوران حماسی ایران از سیستان برخاسته اند.

ضمن اینکه خیلی از داستانها و حماسه های شاهنامه در سیستان و بلوچستان رخ داده و بعضاً آثاری به همان نام نیز در منطقه بقایی دارد از جمله قلعه رستم در ۵۸ کیلومتری شهرستان هامون که استوار و پابرجا و دیدنی است - کرکو و آتشکده آن که مکانی با یاد و نام کبخسرو و سروده ای در گذشته بردیوارهای آن نقش بسته بود که از اولین نمونه شعر های پارسی قلمداد می گردد

کوه خواجه اوشیدا کوه خدا و کوه رستم و آثار متعدد از دوره های مختلف تاریخی که در شاهنامه از ان یاد شده کک کهزاد ۰ کچک چهل دختر و....

آبخور اسب رستم از مکان های باستانی است که در کند اوض دار شهر قدیمی در سیستان قرار دارد

قلعه ها و بناهایی که بعضی از آنها در گستره جغرافیایی سیستان بزرگ قرار دارد در ان سوی مرزها که با همکاری کشور افغانستان زمینه های کاوش و پژوهش و گردشگری دو طرف را میتوان فراهم نمود

دریاچه مقدس هامون و کیانسه بستر اسطوره و حماسه در اوستا و شاهنامه

هیرمند فرمند - مکان یادبودها و مکان رویدادهایی که بستر حوادث و داستانهای شاهنامه بوده و با ترسیم نقشه و مسیر گردشگری شاهنامه میتوان از این ظرفیت مهم در راستای گردشگری استفاده نمود

محل تولد رستم و مسئله رستم زاد یا همان سزارین

محل تولد زال زابلی وداستان های مربوط به آن و.....

بلوچ در شاهنامه فردوسی

در شاهنامه نیز به دفعات نام قوم بلوچ آمده است . اولین بار در داستان سیاوش هنگامی که وی در کار جمع آوری لشکر برای جنگ با افراسیاب است از بلوچ ها یاد می شود :

هم از پهلوی پارس و کوچ و بلوچ ز گیلان جنگی و دشت سروچ

در جایی دیگر در داستان کیخسرو هنگامی که پسرش قصد لشکرکشی بر ضد افراسیاب را دارد باز نام بلوچ در نامه ملی ایران ذکر شده است سپاهش زگردان کوچ و بلوچ سگالیده جنگ و بر آورده خوچ

کسی در جهان پشت ایشان ندید برهنه یک انگشت ایشان ندید

فردوسی پرچم سپاهیان بلوچ را چنین ترسیم میکند :

درفشی بر آورده پیکر پلنگ همی از درفشش بیارید جنگ

در هر قسمت از شاهنامه که ذکر آن رفت قوم بلوچ از مقربان پادشاهان کیانی ایران بوده اند نشان می دهد که فردوسی آنان را متعلق به مکران میدانسته است.

دیگر اشاره فردوسی به بلوچ در شرح سلطنت خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) :.

به ره اندر آگاهی آمد به شاه که گشت از بلوچی جهانی تباه

این بیت نشان میدهد که فردوسی از زبان انوشیروان بلوچ ها را قومی ایرانی می دانسته است .

ظرفیت های سیستان و بلوچستان در عرصه گردشگری ادبی

۱. شاهنامه وداستانهای شاهنامه
۲. سرودن اولین شعر پارسی در دوره یعقوب لیث صفاری توسط شاعر بزرگ آن دوره محمد وصیف سیستانی
۳. زنده کردن خط و ربط پارسی در دوره صفاریان توسط یعقوب لیث
۴. سرودن اولین شعر توسط نخستین زن شاعره پارسی گوی
۵. اولین کتاب نثر پارسی
۶. ترجمه اولین قران به گویش محلی
۷. محل رشد ونمو ادبا وشعرا بزرگ استان از جمله:

- ابراهیم سجزی سیستانی
- ابراهیم سجزی سیستانی، از دانشمندان سیستانی قرن اول هجری قمری است.
- یعقوب بن احمد سگزی، معروف به بندانه متوفای سال ۳۳۱ هجری قمری، از دانشمندان سیستانی قرن چهارم هجری است.
- مشهورترین کتاب وی کشف المحجوب است که از کتاب‌های فلسفی آن زمان به شمار می‌رفته است. این کتاب شامل هفت مقاله در مورد توحید و به زبان فارسی دری نوشته شده است
- ابو داوود سجستانیابو داوود سجستانی، وی متولد ۲۰۲ هجری قمری و متوفای سال ۲۷۵ ه.ق می‌باشد
- ابوالفرج سگزیاز شعرای نامدار و اندیشمند سیستان است که در حدود سال های ۳۷۲-۳۳۳ هجری قمری به هنر شاعری مشغول بود.
- ابوحاتم سجستانیسهل بن محمدبن عثمان بن یزید سجستانی، معروف به ابوحاتم سجستانی از بزرگان علم وادب ، فقه ، حدیث و لغت دوران خویش در سیستان بوده است
- ابوسلیمان محمدبن طاهر بن بهرام سجستانی معروف به منطقی، از عرفای سیستانی قرن چاره هجری است. ابوسلیمان بین عصر فارابی و شیخ الرئیس ابو علی سینا می زیسته است.
- احولی سیستانی، شاعر و ادیب سیستانی است که در سال ۱۰۲۴ به هند مهاجرت کرد.م
- حمزه غافل سیستانیحمزه غافل سیستانی، ملک حمزه فرزند ملک جلال الدین، متخلص به غافل سیستانی، از شاعران سده یازده هجری قمری است.
- فرخی سیستانی
- ابوالحسن علی بن جولوغ سیستانی معروف به فرخی سیستانی از غلامان امیر خلف بانو آخرین امیر صفاری بود. علی بن جولوغ، از سر ناچاری شعری در قالب قصیده سرود و آن را « با کاروان حله» نام نهاد؛ و شعر را به عمید اسعدچغانی وزیر امیر صفاری تقدیم کرد. معروف است که روز بعد علی بن جولوغ قصیده‌ای به نام «داغگاه» ساخت و آن را برای امیر صفاری خواند. امیر صفاری، چهل کره اسب را به علی بن جولوغ هدیه کرد و او را از نزدیکیان دربارش قرار داد.
- علی بن جولوغ نیز با تخلص فرخی در دربار صفاریان، چغانیان و غزنویان شعر می‌گفت. محمود غزنوی او را به ملک الشعرای دربار منصوب کرد. پس از مرگ محمود در سال ۴۲۱ هجری قمری، فرخی به دربار سلطان روی آورد و تا پایان عمر به ستایش این امیر غزنوی مشغول بود.

- عبرت سیستانیپدر وی آقا شیخ غلامرضا واعظ و مادرش صابره، در سال ۱۲۸۳ هجری قمری در سیستان بدنیا آمد

- ملک شاه حسین سیستانی

- کتاب احیا الملوک نوشته ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد بن ملک محمد سیستانی حدود ۴۰۰ سال پیش از منابع یگانه رخدادهای تاریخی سیستان و نیمه شرقی فلات ایران روزگار حاکمیت صفویان بویژه شاه عباس اول (۹۸۹-۱۰۳۸) است.

- اصل این کتاب در سال ۱۲۷۲ توسط کنت دوگوبینو از ایران خارج می شود و هم اینک با در موزه لندن نگهداری می شود. دکتر منوچهر ستوده از اساتید مسلم تاریخ ایران این اثر ارجمند را از روی نسخه عکسی تصحیح نموده است. استاد گران مایه و بزرگ تاریخ ایران دکتر منوچهر ستوده در مقدمه خویش بر کتاب احیاء الملوک سیستان را اینگونه معرفی می نماید

- سید ظهور شاه هاشمی او در ۲۱ آوریل ۱۹۲۷ در گوادر چشم به جهان گشود و در ۴ مارس ۱۹۷۸ در کراچی از دنیا رفت.

- مولوی عبدالله روانبد(مشهور به سعدی بلوچستان) می باشد. ان شاءالله ادامه این شعر بزودی برای شما دوستان در اینجا قرار داده خواهد شد.

- محمد اشرف سربازی می باشد که در سال ۱۳۱۶ ه.ش در محله ریکسر چشم به دنیا گشودند که بعدها بعنوان یکی از شخصیت های علمی و ادبی بزرگ زبان بلوچی ظاهر شد

- دینارزهی از پیشکسوتان موسیقی محلی سیستان و بلوچستان متولد سال ۱۳۲۲ بمپور ایرانشهر

- دکتر جهاندیده کتاب نویسنده "حماسه سرایی در بلوچستان" و کتاب "منظومه های عاشقانه بلوچی"

- شیر محمد اسپندار یگانه دونلی نواز ایرانی

- عباس باقری وشعرا معاصر زابل وبلوچ

- غلامنبی حدادگر : متولد ۱۳۳۵ در زابل ، نوازنده سرنا .

- امرالدین مزارزهی : متولد ۱۳۳۵ در زابل. نوازنده دهل سیستانی و یار همیشگی مرحوم مستیان مالکی نوازنده سرنا.

- زنده یاد مستیان مالکی – کامل خان هوت – مزار گلستانه – یادگارزهی – و....

- ایرج افشار سیستانی محقق ونویسنده بزرگ سیستان وبلوچستان

- غلامعلی رئیس الذاکرین دهبانی زاده فروردین ۱۳۱۸ در روستای دهنوی زابل و آغازگر سرایش شعر به گویش سیستانی می باشد . وی نخستین کتاب شعرش را به گویش سیستانی در سال ۱۳۵۵ با نام « عیدوک » منتشر نمود .

- وی انتشار کتبی با عناوین « کورنامه نیمروز » ، « پنج ارغن » ، « کندو » ، « زاد سروان سیستان » ، «

- غزلیات عبرت سیستانی » ، « خال کجک » ، « آسوکه » ، « اشعار مقبولی » ، « فرهنگ منظوم دهبانی » ،

« صد پند صد حبه قند » ، « اسناد تاریخی سیستان » ، « کالک » ، « هفت خوان یعقوب » ، « زیر بادگیر بلور » را نیز در کارنامه درخشان خود دارد .

وخیلی دیگر از فعالین این حوزه که اسامی همه این عزیزان از حوصله بحث خارج است .

- نمونه های دیگر از قابلیت های ادبی
- ترانه های محلی بلوچ بیشتر در مراسم جشن عروسی و مخصوصاً عید فطر خوانده می شود. مشهورترین این ترانه ها عبارتند از : ترانه میرعلم، بلبل، چاکرتا، آرمان گل آره، بلبل، وشتوارنا و زهیرک. ترانه بلبل را دو خواننده به وسیله قیچک و سه تار اجرا می کنند. زهیرک هنگام اندوه و جدایی خوانده می شود.
- ترانه های محلی سیستان نیز همانند آینه ای پاک و شفاف نمایانگر زندگی مادی و معنوی مردم این سرزمین است که چون با سازهای محلی اجرا شود، شور و مستی می آفریند. اکثر این ترانه ها ارتباط مستقیمی با محیط طبیعی، شیوه زندگی و باورهای دینی و اعتقادی مردم منطقه دارند.
- اشعار و داستان های شفاهی مردم سیستان و بلوچستان
- آلات اصلی موسیقی سیستان و بلوچستان «قیچک» و «دهل» و..... ترکیب نوای این ساز هاو هارمونی آنها، بیانگر احساسات و عواطف و منویات قلبی نوازندگان و شنوندگان بلوچ و سیستانی است.
- موسیقی اصیل استان -رقص سیستانی وبلوچی
- افسانه ها وداستانهای عامیانه :آنانکه به داستانها و حکایات ریشه دار اروپائیان واقف اند تشابه و قیاس افسانه بی بی سه شنبه را با داستان سیندرلا به خوبی درک می نمایند با حذف برخی از مسایل ابتدا و انتهای این داستان تشابه و تطابق کامل آن با افسانه سیندرلا مایه تعجب است و این سؤال را پیش می آورد که آیا اروپائیان در گشت و گذار های دیرینه خود این داستان را از سیستان اقتباس نکرده اند

پیشنهادات

شاهنامه یکی از برجسته ترین مفاخر ایران محسوب می شود.که در کنار دیگر قابلیت های این حوزه ، فرصت های بسیاری را در زمینه گردشگری ادبی پیش روی ما قرار می دهد. این قابلیت ها را می توان در سه بعد مربوط به علاقه مندان به ادبیات فارسی و بزرگان این عرصه و آثارشان ، برگزاری رویدادهای فرهنگی با محوریت جشنواره ادبی بزرگداشت فردوسی وشاهنامه و...و رویدادها وجاذبه های برگرفته از متن شاهنامه وادبیات دسته بندی کرد. درواقع می توان بر مبنای این سه بعد، به جذب گردشگر ادبی با محور فردوسی وشاهنامه وسایر ادبا در مقیاس ملی و بین المللی پرداخت.

در بعد اول که مرتبط با علاقه مندان به ادبیات فارسی است، فردوسی وشاهنامه یکی از پایه های مهم ادبیات فارسی محسوب شده و شاهنامه اصیل ترین متن در پاسداشت ادبیات فارسی در کنار سایر آثار ادبی است. به همین علت علاقه مندان بسیاری خواهان بازدید از مکانهاو محیطی هستند که سرایش شاهنامه ودیگر منابع در آن صورت پذیرفته است. این علاقه مندان ادبیات فارسی در سراسر نقاط جهان زندگی می کنند و جذب

این دسته نیازمند بسترسازی لازم در راستای جذب و شکل دادن به تورهای گردشگری ادبی و سفر علاقه‌مندان بوده تا از هر نقطه از جهان به راحتی به استان سفر کنند.

بعد دوم، برگزاری جشنواره‌های ادبی مرتبط با فردوسی و شخصیت‌های شاهنامه - و سایر ادبا و شعرا همچون مراسم بزرگداشت زادروز این شاعر حماسه‌سرای ایران است که هر سال برگزار می‌شود. تا ضمن گستره حوزه نفوذ داخلی، حوزه نفوذ خارجی نیز گسترش یابد.

بعد سوم، فراهم آوردن قابلیت‌های گردشگری ادبی بر مبنای شاهنامه و سایر آثار شاخص است.؛ از شاهنامه‌خوانی و نقالی گرفته تا مسیرهای یادشده در شاهنامه و بازسازی داستان‌های ادبی، همگی جزو قابلیت‌هایی است که می‌توان بر مبنای آن گردشگری ادبی را جذب کرد. بازسازی ادبیات فردوسی در قالب ساخت موزه‌های مشاهیر و موزه شاهنامه و شهرک‌های خاص با عناوینی همچون شهرک داستانی اساطیر استان یا پارک شاهنامه می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. در این شهرک می‌توان برای هفت‌خوان شاهنامه فردوسی، ایده‌پردازی کرده و مکانی با عنوان گردشگری ادبی شاهنامه راه‌اندازی کرد. نویسنده کتاب «عدد، نماد، اسطوره» با اشاره به این که برای پاسخ به این سؤال بهتر است به چند پیشنهاد فرضی توجه کنیم، فرض کنید در سیستان و بلوچستان که آن را محل تولد «رستم» و محل بسیاری از اتفاقات شاهنامه می‌دانیم، موزه‌ای به نام «موزه شاهنامه» بسازیم و در آن، برخی از داستان‌های شاهنامه را به روش‌های کارآمد و روزآمد روایت کنیم و تصویر و مجسمه بعضی از شخصیت‌های شاهنامه را طراحی و اجرا کنیم. آیا نتیجه این کار، این نخواهد بود که در وهله نخست، گردشگران را به بخش دیگری از ایران که امروز کمتر مورد توجه گردشگران قرار می‌گیرد، هدایت و ادبیات حماسی سرزمینمان را به گردشگران معرفی می‌کنیم. همچنین در این میان، ارج زبان فارسی و فردوسی هم بیش‌تر می‌شود.

کلام نهایی اینکه گردشگری ادبی نه یک تفنن غیرضروری، بلکه بستری برای بازیابی هویت تاریخی است تا در عصر جهانی‌سازی فرهنگ و اقتصاد در بحث اقتصاد مقاومتی، بتوانیم جایگاه واقعی خود را تعریف کنیم. همانگونه که در منابع آمده شاهنامه، شناسنامه همه ایرانیان است و فردوسی در بسیاری از داستانهای خود از سیستان و بلوچستان یاد میکند، ادب و فرهنگ و هنر از دیرباز جایگاه سترگی در بین مردمان این دیار داشته و زندگی ایشان با اسطوره و حماسه و شعر و ادب و موسیقی عجین گردیده چه شعرا و ادب‌پزگی که از این دیار سر برآستان ادب فرود آورده اند و چه آثار گرانبهایی که خلق نموده اند و چه ادبیات گرانبگی که در فرهنگ عامه این مرزوبوم وجود دارد و آشنایی و دیدن آن برای هر گردشگری خاطره انگیز و آموزنده استجا دارد با توجه بیشتر به رونق گردشگری بخصوص گردشگری ادبی بهره وافر از این قابلیت ارزشمند در مسیر رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردمان این دیار و در مسیر توسعه پایدار استان سیستان و بلوچستان برداریم.

محمد علی ابراهیمی